

## تأسیس حقوقی انبار در محل استقرار کالا

سیدعلی سیداحمدی سجادی<sup>۱\*</sup>، هدی کاشانی زاده<sup>۲</sup>

۱. استادیار گروه حقوق خصوصی، پردیس فارابی، دانشگاه تهران
۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، پردیس فارابی، دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۳/۸/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۹۳/۹/۲)

### چکیده

از دیرباز مسئله کمبود نقدینگی در عرصه تجارت از مشکلات بازرگانان بوده است و همواره از نظر امکانات موجود، تلاش‌هایی در جهت گریز از آن انجام گرفته است. از جمله ابداعات انجام گرفته در این زمینه، توثیق اموال موجود در انبار نزد تأمین کننده مالی است. این مقاله با به کارگیری روش کتابخانه‌ای، تأسیس حقوقی انبار در محل استقرار کالا را به عنوان شیوه تأمین نقدینگی و توضیح ضوابط حاکم بر آن معرفی کرده است. با این امید که در جهت تسهیل چرخه مبادلات تجاری و پویایی اقتصاد کشور تلاش شود. نتیجه این مطالعات نشان داد روش یادشده برخلاف مزایا و ظرفیت‌های آن، به دلیل تمهید نکردن زمینه‌های لازم، در کشور ما مهجور است و جامعه تجاری از ثمرات آن محروم مانده است. بدیهی است جهت نهادینه کردن انبار در محل استقرار کالا به عنوان شیوه تأمین نقدینگی، اهتمام و توجه توأم دولت و قانونگذار ضروری است.

### کلیدواژگان

انبار در محل استقرار کالا، انبار عمومی، تأمین نقدینگی، قبض انبار.

## مقدمه

انبار محل و فضایی محصور یا غیرمحصور است که بتوان یک یا چند نوع کالای بازرگانی، صنعتی یا مواد اولیه، یا فراورده‌های مختلف را در آن نگهداری کرد. امروزه بازرگانان کالاهای موجود در انبار را می‌توانند برای تأمین منابع مالی خود و تسهیل و سرعت در اعمال تجارتي به‌کار گیرند. اهمیت انبارهای عمومی در تجارت بین‌الملل به حدی است که در قوانین خارجی برای انبار شخصیت حقوقی قائلند (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۷، ص ۳۰۷). توثیق اموال نزد بستانکار از دیرباز به عنوان روشی آسان و ایمن به منظور ایجاد اطمینان در وصول طلب شناخته شده است. بر کسی پوشیده نیست که امروزه در سراسر دنیا و از جمله در کشور ایران، انبارهای عمومی<sup>۱</sup> در زمینه تسهیل گردش مبادلات تجاری جایگاه خاصی دارند، زیرا علاوه بر وظیفه حفظ و نگهداری کالاها و مسئولیت تحویل آن‌ها در صورت مطالبه، و تحقق شرایط قانونی، امکان صدور سند تجارتي قبض انبار را فراهم می‌کنند و این مهم را عهده‌دار شده‌اند. چنانکه می‌دانیم قبض انبار نه فقط دلیل بر مالکیت دارنده آن نسبت به کالاهای مورد امانت است، امکان تأمین نقدینگی از طریق توثیق کالاها را نیز فراهم می‌کند.

به منظور درک اهمیت و جایگاه قبض انبار در مبادلات تجاری، توضیحی اجمالی از کارکرد آن بیان می‌شود. در عرصه تجارت، در مواقعی تولید داخلی یک نوع کالا به‌ویژه بر اثر افزایش ظرفیت کارخانه یا شرکت تولیدی، یا به علت احداث کارخانه‌های جدید تولیدکننده همان نوع کالا، افزایش می‌یابد و یا مقادیر زیاد کالا به کشور وارد می‌شود. همچنین، درباره کالاهایی که فقط در فصول خاصی از سال قابل استفاده‌اند و لذا، در فصول دیگر با کاهش تقاضا مواجه‌اند، به علت بر هم خوردن تعادل میان عرضه و تقاضا و در نتیجه عدم توفیق در فروش مطلوب، تجار یعنی دارندگان این نوع کالاها با بحران کمبود نقدینگی مواجه می‌شوند و ممکن است از ایفای تعهدات مالی خود از جمله تأمین هزینه‌های انجام‌گرفته در جهت تولید از قبیل دستمزد کارگران باز مانند.

1. Public warehouse - terminal warehouse

مسئله کمبود نقدینگی در تهیه مواد اولیه نیز مطرح می‌شود، تولیدکنندگان صنعتی غالباً در فصولی که مواد اولیه به قیمت ارزان در دسترس است، خرید خود را به یکباره انجام می‌دهند تا به تدریج در مؤسسه صنعتی خود به کار گیرند. بی تردید این مقدار مواد اولیه قسمت قابل توجهی از سرمایه صاحب مؤسسه را به خود اختصاص می‌دهد و اگر قرار باشد این سرمایه را کد بماند و ذی‌نفع نتواند به موقع برای رفع احتیاجات ضروری خود آن را به پول و اعتبار تبدیل کند، فعالیتش با رکود مواجه می‌شود.

این امور موجب نگرانی دولت‌ها و فعالان تجاری، در نتیجه، تلاش آنان در جهت چاره‌اندیشی و حل موضوع شد. تلاش‌های انجام‌گرفته موجب شد امروزه در اینگونه مواقع بتوان با وثیقه‌گذاشتن کالاها از طریق قبض انبار، وجوه مورد نیاز را از بانک‌ها یا مؤسسات مالی دیگر تأمین و از ورشکستگی بسیاری از این شرکت‌ها اجتناب کرد، سپس، در فرصت مناسب و با اتخاذ تدابیر لازم، به نحو مقتضی کالاهای ذخیره‌شده در انبار را فروخت و از بروز ضرر جلوگیری کرد. همچنین، درباره شرکت‌ها و واحدهای تجاری بسیار کوچک که شهرت تجاری ندارند و نمی‌توانند به اعتبار موقعیت فعلی خود اعتبار بانکی کسب کنند، رهن مال منقول تضمین مناسبی برای بازپرداخت وام اعطایی است. ضمن اینکه وام‌دهنده می‌تواند برگ وثیقه را تنزیل کند. در کشور ایران وام‌دهنده برای وصول مبلغ وام به مراجعه به دادگاه و صرف وقت و هزینه برای طرح و پیگیری دعوی نیاز ندارد و می‌تواند از طریق اجرای ثبت حقوق خویش را مطالبه کند. به علاوه، از این جهت بر وثیقه ملکی نیز ترجیح دارد زیرا نیازمند طی تشریفات ثبتی نیست. الزام بانک‌ها به اخذ وثیقه ملکی، یکی از موانع سرمایه‌گذاری آسان، توسعه اشتغال و تشویق صادرات است. همچنین، براساس تصویب‌نامه مورخ ۷۹/۲/۲۸ هیئت وزیران، از کاربردهای مهم قبض انبار در سیستم بانکی، بهره‌گیری از آن در گشایش اعتبار اسنادی است.

جهت آمادگی ذهن، مروری اجمالی بر قواعد حاکم بر قبض انبار ضروری است، براساس تصویب‌نامه قانونی تأسیس انبارهای عمومی مصوب شهریور ۱۳۴۰، انبارهای عمومی در قبال دریافت کالا قبض انبار صادر می‌کنند.

قبوض انبار در دو قسمت قبض رسید<sup>۱</sup> و برگ وثیقه<sup>۲</sup> تنظیم و صادر می‌شود که این قبوض معرف کالا است و جزء اسناد تجاری محسوب می‌شود. قبض رسید دلیل بر مالکیت کالاهای سپرده‌شده نزد انبار و بیانگر دریافت کالا توسط انباردار است. مالکیت کالا از طریق ظهنویسی این سند قابل انتقال است، اگرچه این ظهنویسی موجب ایجاد مسئولیت تضامنی برای صاحب امضای این سند نمی‌شود. برگ وثیقه به صاحب کالا امکان می‌دهد تا با ظهنویسی آن، کالای سپرده‌شده نزد انبار را به وثیقه بگذارد و از طریق آن وجوه مورد نیاز خود را از بانک یا هر وام‌دهنده دیگر تأمین کند. آنچه مسلم است هر دوی این اسناد جزء اوراق تجاری قابل معامله محسوب می‌شوند و در برگ وثیقه، ظهنویس نسبت به مبلغ طلب مورد وثیقه با مالک کالا مسئولیت تضامنی پیدا می‌کند، ضمن اینکه ذی‌نفع این ظهنویسی می‌تواند با ظهنویسی مجدد آن، پیش از سررسید دین به نقدینگی لازم دست یابد. شایان ذکر است اشخاصی که امضایشان به عنوان ظهنویس در برگ وثیقه درج می‌شود، در صورت عدم کفایت کالاهای موجود در انبار برای پوشش طلب مندرج در برگ وثیقه، در برابر آخرین دارنده مسئول هستند و دارنده، حق مراجعه به آنان را خواهد داشت. از نظر یکی از حقوقدانان، برگ وثیقه «نوعی سفته محسوب می‌شود که علاوه بر وعده متعهد به پرداخت مبلغی معین، در وجه یا به حواله‌کردن دارنده، متضمن رهن مقبوض کالای موجود در انبار عمومی نیز هست. لذا برگ وثیقه انبار عمومی، از حیث وثائق عینی و شخصی، محکم‌ترین و معتبرترین سند بازرگانی به حساب می‌آید.» (صقری، ۱۳۸۰، ص ۶۱۹).

شایان ذکر است بر اساس ماده ۲ قانون تجارت، انبارداری عملی تجاری تلقی نشده است. باید توجه کرد در همه نظام‌های حقوقی قبض انبار در دو سند قبض رسید و برگ وثیقه صادر نمی‌شود. از جمله در حقوق انگلیس و ایالات متحده آمریکا، قبض انبار تک‌نسخه‌ای است که به منظور انتقال مالکیت کالاها، یا جهت توثیق آن قابل انتقال است.

---

1. Reception  
2. Warrant

با مطالعه قوانین و مقررات حاکم بر قبض انبار، می‌توان دریافت که فقط شرکت سهامی انبارهای عمومی طبق مقررات، مجاز و مکلف به صدور قبض انبار است و انبارهای دیگر برای اینکه بتوانند چنین سندی صادر کنند باید تعدادی از سهام خود را به شرکت انبارهای عمومی انتقال دهند، مانند انبار عمومی قزوین و اصفهان که در چنین حالتی انبارهای یادشده از امتیازات شرکت انبارهای عمومی برخوردار خواهند بود.

امروزه در سطح دنیا، روش انبار کالا در محل استقرار آن<sup>۱</sup> مانند انبارهای عمومی ظرفیت تأمین نقدینگی را برای صاحب کالا با به‌کارگیری قابلیت‌های قبض انبار دارد و مدت‌هاست در سطح گسترده مورد استفاده کشورهای مختلف دنیا قرار گرفته است، در حالی که در ایران به آن کم‌توجهی شده است و به بهره‌برداری تجاری و اقتصادی نرسیده است. وانگهی رواج به‌کارگیری این شیوه در کشورهای مختلف، حاکی از وجود مزایای خاصی برای آن در مقایسه با انبارهای عمومی و یا امکان احتراز از نواقص روش پیش‌گفته از این طریق است.

مقصود از نگارش این مقاله، معرفی و تشریح شیوه توثیق کالا از طریق انبارکردن آن در محل استقرار به منظور تأمین نقدینگی لازم و مطالعه و بررسی مزایا و معایب این روش است. امید است این تلاش در جهت تسهیل چرخه مبادلات تجاری و پویایی اقتصاد کشور به‌کار گرفته شود. متأسفانه، بحث تأمین نقدینگی از طریق انبار در محل استقرار کالا، در ایران بر خلاف کشورهای دیگر به‌ویژه آمریکا و اروپا، پیشینه تحقیقاتی ندارد و نگارنده روش توصیفی را به‌کار گرفته است در این مقاله در ابتدا، علل پیدایش روش انبار کالا در محل استقرار مطالعه می‌شود. سپس، جایگاه حقوقی قبض انبار و برگ وثیقه مطرح می‌شود. در قسمت سوم، شیوه اجرایی این روش، ضوابط حاکم، نکات و مسائل طرح‌شده در این زمینه که قسمت عمده بحث را به خود اختصاص می‌دهد، بررسی می‌شود. در آخرین قسمت، جایگاه انبار کالا در محل استقرار در سطح بین‌المللی و لزوم بهره‌گیری از این شیوه بیان می‌شود. در نهایت، جمع‌بندی کلی بیان می‌شود.

---

1. Field warehouse

### تاریخچه و دلایل پیدایش انبار در محل استقرار کالا

گفته شده است پیشینه توثیق کالا در برابر وام به منظور ایجاد امنیت خاطر برای وام‌دهنده، به پنج قرن پیش از میلاد بازمی‌گردد (Budd, 1995, p.121). اما درباره علل پیدایش شیوه مورد مطالعه، ممکن است در بدو امر این سؤال مطرح شود که آیا ابتدا انبارهای مستقر در محل کالا ایجاد شده‌اند و به تدریج به شکل انبارهای عمومی پدیدار شدند، یا برعکس، طرح انبارهای مستقر در محل پس از ظهور و رواج به‌کارگیری انبارهای عمومی مطرح شده است؟

در ایالات متحده آمریکا پس از ایجاد انبارهای عمومی با هدف نگهداری کالا و در مرحله بعد، بهره‌گیری از کالاهای انبارشده در جهت تأمین نقدینگی، بازرگانان به منظور بهره‌برداری بیشتر از امکانات موجود برای مقابله با معضل کمبود نقدینگی، در پی یافتن راه حل برای استفاده از کالاهایی هستند که حمل آن‌ها به انبار به دلایل مختلف در عمل غیرممکن بود. این امر موجب شد به‌کارگیری مکان صاحب کالا به عنوان انبار مطرح شود و در اواخر قرن نوزدهم، انبارهای مستقر در محل به منصفه ظهور رسیدند (J. Vaughn, 1968, p.20). زمانی که قانون متحدالشکل قبض انبار<sup>۱</sup> ۱۹۰۷، قبوض انبار را در هر جا که صادر شده باشد به طور کامل پذیرفتنی اعلام کرد، مسیر گسترش انبار کالا در محل در این کشور هموار شد (Financing Inventory through Field Warehousing, 1960, p.671). از جنگ جهانی دوم بر ایجاد انبار در محل به‌طور قابل توجهی تمرکز شد و از مجموع ۵۰۰۰ انبار موجود، ۳۰۰۰ انبار آن در محل تأسیس شده بودند (Financing Inventory through Field Warehousing, 1960, p.682). در سال ۱۹۶۰ در ایالات متحده تقریباً ۶۰۰۰ انبار مستقر در محل موجود بود و ۶ شرکت بزرگ، ۹۵ درصد این تجارت را راهبری می‌کردند. اولین دعوایی که در آن، انبار در محل بدون اطلاق نام مشخصی به آن، از نظر ماهوی به رسمیت شناخته شد، دعوی سامنر به طرفیت هملت<sup>۲</sup> در سال ۱۸۳۱ بود. در قضیه فیلادلفیا دادگاه

1. Uniform Warehouse Receipts Act  
2. Sumner v. Hamlet 29 Mass. 76 (1831)

از این روش با عنوان «Field storage» یاد کرد. تا اینکه دیوان عالی ایالات متحده آمریکا آن را با عنوان «Field warehouse» تأیید کرد (J. Vaughnl, 1968, p.21).

در ایران انبار در محل استقرار کالا سابقه‌ای ندارد، با وجود این، اولین قانون مربوط به انبارهای عمومی، «قانون راجع به تأسیس انبارهای عمومی» مصوب شهریور ۱۳۴۰ است. بعد از تصویب این قانون، شرکت انبارهای عمومی ایران تأسیس شد. این شرکت از نوع شرکت سهامی بود که شورای انقلاب در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۹ لایحه قانونی ملی کردن سهام شرکت یادشده را صادر کرد. در این لایحه بیان شده است: «به منظور تمرکز امور مربوط به عملیات تخلیه و بارگیری انبارداری و حفاظت کالا در اماکن گمرکی در یک سازمان واحد و ایجاد هماهنگی بین سازمان‌های ذی‌ربط و از بین بردن نابرابری‌های گذشته و در جهت حفظ منافع عموم از تاریخ تصویب این لایحه قانونی کلیه سهام شرکت سهامی انبارهای عمومی ملی اعلام شده و به مالکیت وزارت امور اقتصاد و دارایی به عنوان صاحب سهم منتقل می‌گردد.» بعد از سال ۱۳۵۱، شرکت یادشده در امور گمرکات نیز فعالیت تجاری کرد و نام خدمات گمرکی به نام شرکت اضافه شد. سرانجام، در تاریخ ۱۰ بهمن ۱۳۷۸ هیئت وزیران طی مصوبه‌ای صد در صد سهام شرکت ملی انبارهای عمومی و خدمات گمرکی را به صندوق بازنشستگی واگذار کرد. در ماده ۲ تصویب‌نامه یادشده بیان شده است انبارهای عمومی در قبال قبض رسید و برگ وثیقه کالاها را به امانت می‌پذیرد.

همان‌طور که بیان شد، ارسال و نگهداری برخی کالاها در انبارهای عمومی با مشکل مواجه است، کالاهایی که وزن و حجم زیادی دارند، مانند الوار چوب و زغال‌سنگ و کالاهایی که باید در دسترس صاحب کالا باشند و بر روی آن کاری انجام گیرد، از آن جمله است. برای مثال در برخی صنایع، مواد اولیه لازم برای تولید محصول، مانند پنبه برای تولید نخ، باید جهت فرآوری نزد صاحب کارخانه باشد. یا قطعات تشکیل‌دهنده یک دستگاه، باید به منظور ساخت دستگاه مورد نظر در دسترس قرار گیرد، یا کالاهایی مثل پنیر که طی یک دوره زمانی باید جهت تحویل به بازار آماده شوند. به علاوه، انبار کالا در محل، از جهاتی مقرون به صرفه است و موجب کاهش هزینه‌ها می‌شود.

روشن است در صورتی که کالاها در ملک صاحب کالا نگهداری شود، هزینه تأمین فضای لازم بر دوش امانت‌گذار نخواهد بود. حق‌الزحمه کارکنان مسئول نگهداری و نظارت بر کالاهای انبارشده نیز اغلب پایین‌تر است، زیرا این کارکنان به صورت موردی و صرفاً به منظور یک مورد خاص انبارداری استخدام می‌شوند و در کنار آن می‌توانند به کارهای دیگری نیز اشتغال داشته باشند. در حالی که در یک انبار عمومی کارکنان انبار به صورت تمام‌وقت در انبار استخدام می‌شوند و همین امر موجب افزایش هزینه‌ها می‌شود. به علاوه، هزینه حمل کالا به انبار نیز در این شیوه حذف می‌شود.

همچنین، یکی از مزایای انبار در محل برای تأمین‌کننده مالی آن است که وام‌دهنده نگران نیست اگر کالای موضوع قبض انبار برای مدت بیشتری در انبار بماند، هزینه‌های انبارداری که بر طلب او اولویت دارد، افزایش یابد و در نتیجه، امکان وصول همه مطالبات او از محل فروش کالاها در معرض خطر قرار گیرد، زیرا در حقیقت هزینه‌های انبارداری را وام‌گیرنده متحمل می‌شود، نه شرکت انباردار (Financing Inventory Through Field Warehousing, op.cit., p.685). همچنین انبار کالا در محل غالباً به وام‌دهنده امکان می‌دهد بر فعالیت‌های روزانه وام‌گیرنده و چگونگی گردش تجارت وی اطلاع و کنترل بیشتری داشته باشد.

بنابراین، از طریق برپاسازی انبار در محل کالا و نه حمل کالا به انبار، هدف بهره‌گیری از مزیت تأمین مالی قبض انبار، با شیوه انبار در محل استقرار کالا محقق می‌شود.

### جایگاه حقوقی قبض انبار و برگ وثیقه

انبارهای عمومی مؤسساتی بازرگانی اند که به منظور قبول امانت و نگهداری مواد اولیه و انواع کالاهای صنعتی، بازرگانی و کشاورزی تأسیس می‌شوند. از جهت حقوقی این انبارها مسئول حفظ و نگهداری کالاهای سپرده و جبران خسارات وارده به آن تا میزان ارزش اظهارشده کالا در موقع تودیع هستند، ولی مسئول خسارت ناشی از عیب ذاتی کالا و نقص بسته‌بندی و قوه قاهره نمی‌باشند (ماده ۴ تصویب‌نامه تأسیس انبارهای عمومی). این انبارها در مقام امانت‌گرفتن کالاها قبض انبار صادر می‌کنند. قبض انبار معمولاً از دو قسمت مجزا تشکیل شده است، یکی قبض



رسید که سند مالکیت کالا است و دیگری برگ وثیقه که مبین در رهن بودن کالا در برابر مبلغ معینی است. در تعریف قبض انبار گفته شده است: «سند قابل معامله‌ای است که به وسیله آن تاجر به عنوان ضمانت تعهد خود اجناس را که در انبار عمومی یا نزد خود دارد به گرو طلبکار می‌دهد.» (ستوده تهرانی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۵). حقوقدان دیگری با پیروی از حقوق فرانسه، قبض انبار را سندی مشابه سفته دانسته است که بر وعده متعهد به پرداخت مبلغ معینی در وجه یا به‌حواله‌کرد صادر می‌شود و متضمن رهن مقبوض کالای موجود در انبار عمومی است (صقری، ۱۳۸۰، ص ۴۲۰). در حقوق انگلیس قبض انبار عمومی سند بازرگانی است که قابل انتقال است و متضمن حق مالکیت بر کالای معینی است که می‌تواند ابزاری برای تحصیل وام یا اعتبار باشد. در حقوق فرانسه نیز وارانته<sup>۱</sup> نوعی سفته است که بازرگان متعهد از طریق صدور آن، مال‌التجاره موجود در انبار را به عنوان تضمین امضای خود قهراً به رهن متصرف می‌دهد. براساس قانون ۲۸ مه ۱۸۵۸ انبارهای عمومی ملزم به تسلیم دو سند می‌باشند: قبض رسید و برگ وثیقه که توأمأ یا به‌طور مجزا، قابلیت ظهنروسی دارند (صقری، ۱۳۸۰، ص ۴۲۰). مسلم است قبض انبار جزء اسناد تجاری محسوب می‌شود، اما موضوع این سند برخلاف برات، سفته و چک، به‌جای وجه نقد، کالای معینی است. هر دوی این اسناد از طریق ظهنروسی قابلیت نقل و انتقال را دارند. با ظهنروسی قبض رسید، مالکیت کالا به منتقل‌الیه واگذار می‌شود و منتقل‌الیه می‌تواند با مراجعه به انبار عمومی و ارائه قبض انبار، کالای موضوع سند را مطالبه کند. در قبض انبار مسئولیت تضامنی بین امضاکنندگان آن وجود ندارد ولی دارنده این سند، مالک کالا محسوب می‌شود. مالک می‌تواند قبل از سررسید دین، با مراجعه به دفتر انبار و سپردن مبلغ بدهی در صندوق انبار کالای خود را ترخیص کند. رابطه حقوقی ذی‌نفع قبض انبار با انباردار مبتنی بر عقد ودیعه است، به‌طوری که انباردار مستودع و کالای مورد امانت جنبه امانی دارد. اما همین که برگ وثیقه صادر شد و صاحب کالا با مراجعه به بانک وام اخذ کرد و بانک از طریق کارشناسان خود کالای موجود در انبار را

---

1. Warrant

ارزیابی کرد، با صدور برگ وثیقه علاوه بر رابطه امانت، رابطه دیگری به اعتبار کالای موجود در انبار شکل می‌گیرد که تابع مقررات رهن با شرایط خاص خود از جمله ظهرنویسی برگ وثیقه است که اختیارات صاحب کالا را درباره کالای مورد امانت محدود می‌کند. در برگ وثیقه ظهرنویس راهن، شخصی که ظهرنویسی به نفع او انجام گرفته است مرتهن و مال موجود در انبار رهنه محسوب می‌شود. دارنده وثیقه می‌تواند برای وصول طلب خود مال مرهون را بفروشد. دارنده قبض رسید و برگ وثیقه در صورتی که هر دو برگ را در دست داشته باشد، می‌تواند کالای خود را هر موقع که مایل باشد ترخیص، یا ترخیص آن را به هر تعداد واحد تقسیم کند. در این صورت، انبار عمومی مکلف است قبض رسید و برگ وثیقه قبلی را باطل و به تقاضای متقاضی قبض رسید و برگ وثیقه جدیدی صادر کند. شایان ذکر است درباره برگ وثیقه، ظهرنویس نسبت به مبلغ طلب مورد وثیقه با مالک کالا مسئولیت تضامنی دارد، ضمن اینکه ذی‌نفع این سند می‌تواند با ظهرنویسی مجدد آن قبل از سررسید دین از طریق تنزیل کردن به نقدینگی برسد. در صورت عدم کفایت کالای موجود در انبار برای پوشش طلب مندرج در برگ وثیقه، ظهرنویسان در برابر آخرین دارنده مسئول تلقی می‌شود و دارنده حق مراجعه به آنان را خواهد داشت. در اکثر نظام‌های حقوقی از جمله کامن‌لا این گونه نیست که قبض انبار در دو سند قبض انبار و برگ وثیقه صادر شود، بلکه به صورت تک نسخه‌ای صادر می‌شود. در حقوق ایران شرکت سهامی انبارهای عمومی مجاز و مکلف به صدور قبض انبارند. انبارهای دیگر برای اینکه بتوانند چنین سندی صادر کنند باید تعدادی از سهام خود را به شرکت سهامی انبارهای عمومی انتقال دهند، مثل انبار عمومی قزوین و اصفهان که در چنین حالتی از امتیازات شرکت انبارهای عمومی برخوردار خواهد بود.

### روش انبار کالا در محل استقرار و توثیق آن

#### شیوه اجرایی به‌طور کلی

روش کار بدین ترتیب است که صاحب کالا در مکانی که در حقیقت بخشی از محوطه کارخانه یا

فروشگاه اوست کالاها را در یک جا تجمیع، و حدود آن محل را مشخص می‌کند. این محل از دسترس اشخاص ثالث و خود صاحب کالا خارج می‌شود و در قبال اجاره‌بهای ناچیز، به اجاره شرکتی که مسئولیت انبارداری کالاها را به عهده می‌گیرد<sup>۱</sup>، در می‌آید و یک انبار را تشکیل می‌دهد. بنابراین، به جای اینکه وام‌دهنده کارمندی را جهت نظارت بر کالاهای موضوع وثیقه و عدم تصرف غیرمجاز نسبت به آن استخدام کند، شرکت انبار در محل به نفع او این کنترل را به عهده می‌گیرد. زیرا اگر وام‌دهنده که معمولاً بانک یا مؤسسه تأمین مالی است، چندین وام را بدین شکل اعطا کند، ناچار خواهد شد کارمندان متعددی را به منظور مراقبت از کالاهای مستقر در مکان‌های مختلف استخدام کند که این وضعیت برای مؤسسات یادشده، پذیرفتنی نیست. همچنین، هیچ‌یک از بانک‌ها و مؤسسات تأمین مالی حاضر نیستند مکان‌هایی را جهت نگهداری کالاهای موضوع وثیقه تهیه و آن را مدیریت کنند.

شرکت انبار کالا در محل، علائمی را بر روی کالاهای مورد وثیقه مبنی بر اینکه کالاها تحت نظارت آن شرکت است جهت اطلاع عموم نصب می‌کند و شخصی را به عنوان مراقب<sup>۲</sup> و به منظور نظارت و نگهداری کالاها از تعرض، استخدام می‌کند و بدین ترتیب کالاها از تصرف و کنترل صاحب کالا خارج شده و به تصرف امین در می‌آید تا امنیت خاطر را برای وام‌دهنده فراهم کند. این شخص ممکن است از کارکنان وام‌گیرنده که با محیط و اوصاف انبار آشنایی بیشتری دارند، باشد یا از طرف شرکت انبار در محل باشد. صحت عمل کارمند و شرکت انبار در محل، تحت بیمه<sup>۳</sup> درستکاری<sup>۴</sup> و بیمه اشتباهات و از قلم افتادگی‌ها<sup>۵</sup> قرار می‌گیرد (Budd, op.cit., p.120). حق‌الزحمه این مستخدم به عهده شرکت انبار در محل است (Kane, 1937, p.21) و تأمین امکانات خاص برای نگهداری کالاها مانند وسایل سرمایشی با وام‌گیرنده است (F. Birnbaum, 1948, p.581). بنابراین، در این شیوه، یک قرارداد اجاره میان بدهکار و شرکت انبار در محل منعقد

- 
1. Field Warehousing Company
  2. Custodian, Manager
  3. Fidelity Policy
  4. Errors & Omissions Policy

می‌شود، یک قرارداد استخدام میان شرکت اخیر و شخص نظارت‌کننده منعقد می‌شود و قراردادی هم میان بدهکار و شرکت انبار درباره شرایط انبارداری و آزادسازی کالاها منعقد می‌شود (J.White, 1980, p.823). البته ممکن است قرارداد اخیر به صورت سه‌جانبه میان وام‌دهنده، شرکت انباردار و وام‌گیرنده منعقد شود. شرکت انبار در محل پس از تصرف کالاها، رسیدی را مبنی بر همین مطلب صادر و به صاحب کالا یا تأمین‌کننده مالی تحویل می‌دهد. اگر قبض انبار مستقیماً به نفع وام‌دهنده صادر نشود، صاحب کالا با انتقال این سند به طلبکار، کالاها را به وثیقه او درمی‌آورد و اعتبار این قبوض دقیقاً مانند اعتبار قبوض انبار صادره از انبارهای عمومی است (Kane, op.cit., p.22). البته درباره اینکه چه شخصی باید قبض انبار را صادر کند رویه‌های مختلفی وجود دارد، قبض انبار ممکن است در محل انبار و توسط محافظ انبار صادر شود. اگر قبض انبار قابل انتقال باشد، شرکت انباردار آن را صادر می‌کند. در صورتی که شرکت انباردار قبض انبار را صادر کند، محافظ انبار گزارشی از دریافت کالاها تهیه، آن را امضا می‌کند و سپارنده کالا نیز آن را امضا می‌کند. اصل این گزارش به شرکت انباردار ارسال و کپی آن در انبار نگهداری می‌شود. گاهی اوقات خود این گزارش دریافت‌ها به گردش درمی‌آیند. برای مثال، به گفته یک تاجر غذاهای کنسرو شده، در شرایطی ممکن است نتوان تأمین مالی را تا صدور قبض انبار به تعویق انداخت. در این حالت یک کپی از گزارش دریافت به بانک ارسال می‌شود و بر اساس آن بانک پیش‌پرداختی را به متقاضی اعطا می‌کند. اسناد مربوط به کالاها انبار شده و صورت موجودی انبار به صورت دوره‌ای حسابرسی می‌شود (H. Skilton, 1961, p.405). از ویژگی‌های دیگر انبار در محل آن است که بر خلاف انبار عمومی، در عمل برای شخص انباردار امکان ندارد در یک انبار به بیش از یک شخص خدمات ارائه کند و البته تمایلی هم به این کار وجود ندارد. این یک ویژگی انحصاری برای انبار کالا در محل است (F. Birnbaum, op.cit., p.581).

### لزوم تحقق تصرف انباردار نسبت به کالا

از جمله مسائل مطرح شده در رویه عملی آن است که حتی اگر کالاها به تصرف حقیقی امین درآمده باشد، معمولاً حصار دور کالاها و قفل روی درب ورودی محل، برای اینکه جهت مراقبت

و ممانعت از ورود به عنف توسط وام‌گیرنده استحکام کافی داشته باشند، در نظر گرفته نشده‌اند (F. Birnbaum, op.cit., p.581). بر همین مبنا، در ایالات متحده دعاوی مطرح شده است که بر اساس تصرف واقعی، آزادانه و انحصاری شرکت انبار در محل یا صورتی بودن این تصرف، دادگاه به اعتبار یا عدم اعتبار قبوض انبار مربوط، رأی صادر کرده است. برای مثال، در دعاوی ویلسون<sup>۱</sup> با این استدلال که صاحب کالا با قراردادن کالاها در انبار، کاملاً آن‌ها را از تصرف خود خارج کرده است و کالاها به تصرف شرکت انبار در محل درآمده است، به اعتبار قبض انبار صادره رأی داده شد؛ دادگاه عنوان کرد اگرچه قصد واقعی صاحب کالا از انبارکردن آن، تأمین نقدینگی بوده است اما از آنجا که این یک انگیزه مشروع است، خللی به اعتبار قبض انبار وارد نمی‌کند. در این قضیه کالاها به نحوی در انبار نگهداری شده بودند که مشتریان صاحب کالا به هنگام ورود به فروشگاه، اساساً امکان رؤیت کالاها را نداشته در مجاورت فروشگاه را نداشته و فقط در صورتی می‌توانستند کالاها را مشاهده کنند که شرکت انباردار قفل درب انبار را باز کند و اجازه ورود بدهد که در آن صورت نیز علائم کاملاً واضح و مشخصی از تصرف و کنترل شرکت انبار در محل حکایت می‌کرد. از نظر دادگاه، موارد یادشده بیانگر تصرف کامل و انحصاری شرکت انباردار و وجود یک وثیقه معتبر بود.

در مقابل در قضیه هند<sup>۲</sup> دادگاه رأی داد که در واقع کالاها به شرکت انباردار تحویل داده نشده است و به تصرف آن در نیامده است، زیرا شواهد نشان می‌دهد نه تنها روی کالاها هیچ علامتی حاکی از کنترل آن‌ها توسط شرکت انباردار نبوده است، بلکه در معرض دید عموم قرار گرفته است، همچنین، در نگهداری کالاها کارمندان صاحب کالا به‌کار گرفته شده‌اند (Kane, op.cit., p.23). اگر عملکرد وام‌گیرنده و شرکت انبار در محل طوری باشد که وام‌گیرنده دسترسی آزاد به کالا و به‌کارگیری آن را داشته باشد و اوضاع و احوال حاکی از آن باشد که طلبکار از این مسئله آگاهی و رضایت داشته است، این قرارداد انبار در محل بی‌اعتبار است، اگرچه در صورت عدم

1. Union Trust Co. v. Wilson, 198 U. S. 530, 49 L. Ed. 1154, 25 Sup. Ct. 766 (1905)

2. Security Warehousing Co. v. Hand, 206 U. S. 415, 51 L4 Ed. 1117, 27 Sup. Ct. 720 (1907)

آگاهی، طلبکار حمایت می‌شود (F. Birnbaum, op.cit., p.591). درباره اطمینان از تصرف آزادانه، انحصاری و آشکار شرکت انبار در محل، دادگاه‌ها روش‌های شکلی مشخصی را جهت احراز رعایت موارد یادشده تعیین نکرده‌اند، بلکه تصمیم‌ها بیشتر بر اساس ارزیابی کلی از مجموع واقعیت‌ها اتخاذ می‌شود و عموماً در مواردی که نقض آشکار تصرف شرکت انباردار انجام نگرفته باشد، وثیقه را می‌پذیرند. (Financing Inventory Through Field Warehousing, op.cit., p.673).

اخیراً دعوی مربوط به اعتبار امانت کالا نزد شرکت انباردار تقریباً متوقف شده است که عوامل متعددی در این امر دخالت داشته است؛ با قرار گرفتن بازار انبار کالا در محل، در دست تعداد محدودی از شرکت‌ها که با شرایط قانونی این روش آشنا هستند، احتمال نقض این شرایط به میزان قابل توجهی کم شده است، به علاوه، شرکت‌های انبار در محل تمایل دارند مسائل و اختلافات را در خارج از دادگاه حل و فصل کنند تا اعتماد و رضایت جامعه بانکی را که تجارت آن‌ها بدان وابسته است، حفظ کنند و از ایجاد سوابق نامطلوب برای خود احتراز کنند ( Financing Inventory Through Field Warehousing, op.cit., p. 675).

### پرهیز از مخاطرات احتمالی

از مسائلی که در این زمینه مطرح است، این است عموماً وام‌دهنده به اظهارات کارمند بدهکار که در حال حاضر براساس ضمانت درستکاری مدیریت انبار را به عهده دارد، اعتماد می‌کند. در حالی که احتیاط متعارف مستلزم آن است که طلبکار توسط نماینده خود یا یک شخص مستقل، حداقل به صورت دوره‌ای کیفیت و کمیت کالاها را بررسی کند. اگر چنین احتیاطی انجام نگیرد، ممکن است زمانی وام‌دهنده متوجه شود که بسیار دیر شده است و دیگر حتی ضمانت‌نامه درستکاری هم جبران‌کننده سوءاستفاده محافظ و فقدان کالاها نباشد و یا اینکه به علت مراقبت نکردن او از کالاها از بین رفته یا بی‌استفاده شده باشد. مثلاً کنسروهای غذا که به علت تغییر رنگ در اثر فعل و انفعالات شیمیایی دیگر قابل فروش نباشند (F. Birnbaum, op.cit., p.582).

از شرایطی که در حقوق ایالات متحده درباره انبار به‌طور کلی باید در نظر گرفته شود آن است که براساس ماده ۱۰۲(۱۳)-۷ قانون تجارت متحدالشکل آن کشور «انبار، شخصی است که شغل او

انبار نمودن کالا در قبال کرایه است.<sup>۱</sup> بنابراین، در انبار کالا در محل نیز در صورتی که قرار باشد شخصی مدیریت محل نگهداری کالای موضوع وثیقه را به عهده بگیرد و در قبال پذیرش مسئولیت کالاها قبض انبار صادر کند، آن شخص باید فعالیت شغلی خود را انبار کالا در قبال کرایه قرار داده باشد. بنابراین، نمی‌توان شخص یا شرکتی را که چنین فعالیتی ندارد صرفاً برای انبارداری در یک مورد خاص به کار گرفت. در دعوای سیتین (Kane, op.cit., p.26) قبوض انباری که توسط یک شرکت انبار وابسته به شرکت بدهکار صادر شده بود، باطل اعلام شد. با این استدلال که این شرکت هیچ ساختمان و محل مستقلی برای خود ندارد و خدمات انبارداری را به عموم ارائه نمی‌دهد بلکه صرفاً به مورد خاص موضوع دعوی اقدام کرده است. به نظر می‌رسد چنین حکمی در قانون تجارت متحدالشکل ایالات متحده از این جهت مقرر شده است که احتمال تبانی وام‌گیرنده با شرکت انباردار و وابستگی این دو به یکدیگر را به حداقل برساند. در دعوای مربوط به انبار در محل، قضات اغلب این عقیده را نیز بیان کرده‌اند استقلال اقتصادی شرکت انباردار برای معتبر دانستن وثیقه مهم و اساسی است ( Financing Inventory through Field Warehousing, op.cit., p.672).

### تأمین نقدینگی از طریق انبار

یکی از مسائل مطرح شده در تأمین نقدینگی به شیوه یادشده، بحث ضرورت تبدیل مواد اولیه موجود در انبار به کالاهای ساخته شده است. برای مثال، ممکن است کالای موجود در انبار، پنبه باشد که موضوع وثیقه قرار گرفته و در قبال آن قبض انبار صادر شده است. این پنبه‌ها در مرحله بعد باید به منظور فرآورش وارد کارخانه شوند. بنابراین، دیگر از شمول قبوض انبار صادره خارج خواهند شد. پس از اینکه فرآورش تمام شد، پنبه فرآورش شده به انبار بازمی‌گردد و تحت شمول قبض یا قبوض انبار جدیدی قرار می‌گیرد و مجدداً به عنوان موضوع وثیقه ارزیابی می‌شود. در ایالات متحده، آیین و روش‌های استاندارد اجرای انبار در محل کم و بیش توسط شرکت‌های انبار

1. Warehouse means a person engaged in the business of storing goods for hire.

در محل ایجاد و توسعه پیدا کرده است و می‌توان گفت، بدین ترتیب، انبار کالا در محل ویژگی‌های سازمانی دارد (H. Skilton, 1961, p.402). رویه یادشده نیز که مربوط به مدیر یا محافظ انبار در محل است، نیازمند دستورالعمل‌های دقیقی است، زیرا ممکن است موجب از بین رفتن حق اولویت طلبکار در صورت ورشکستگی بدهکار شود. برای حل این مشکل باید بر روشی توافق شود که براساس آن جایگزینی وثیقه هم زمان و یا پیش از آزادی مورد وثیقه مؤثر شود، نه زمانی که پنبه‌های فرآورش شده به انبار تحویل می‌شود (F. Birnbaum, op.cit., p.583).

مشابه همین مسئله در بحث فروش کالاهای انبارشده نیز مطرح می‌شود در مواردی صاحب کالا قصد دارد کالای موجود در انبار را به تدریج از انبار خارج کند و آن را بسته‌بندی کند و بفروشد، در حالی که به اتکای آن مقدار کالا قبض انبار صادر شده است. در این حالت، رویه قضایی ایالات متحده این روش را پذیرفته است که در ازای آن قسمت از کالا که از انبار خارج می‌شود، صاحب کالا بدهی خود را به طلبکار می‌پردازد و شرکت انباردار کارمند خود را جهت برداشت آن بخش از کالا، برای بازکردن درب انبار می‌فرستد و صاحب کالا در ظهر قبض انبار، آن بخش از کالا که به او تحویل داده شده را قید می‌کند و به طلبکار یا شرکت انباردار بازمی‌گرداند (F. Birnbaum, op.cit., p.585). به این ویژگی انبارها، خصوصیت گردان یا چرخشی<sup>۱</sup> گفته می‌شود.

اشکال دیگری نیز برای انبارگردان یا چرخشی تصورشدنی است، مثلاً اینکه صاحب کالا قصد ندارد در قبال کالایی که از انبار خارج می‌کند به همان نسبت بدهی خود را به صاحب وثیقه بپردازد، بلکه می‌خواهد در قبال آن حساب‌های دریافتنی<sup>۲</sup> خود را واگذار کند یا کالاهای دیگری را جایگزین کالاهای خارج شده کند. روشی دیگر آن است که تعدادی لیست دستور تحویل به صاحب وثیقه داده می‌شود که بنابه توافقات انجام‌گرفته، هر زمان که بدهکار قصد خارج کردن کالاها را داشته باشد، این فرم‌ها امضا می‌شود و به عنوان مجوز به شرکت انبار داده می‌شود تا انبار

---

1. Revolving

2. Accounts Receivable



را باز کند و پس از خروج کالا، کالای دیگری توسط بدهکار جایگزین آن شود ( J.White, op.cit., p.824). دستور تحویل معمولاً در چند نسخه (برای صاحب کالا، وام‌دهنده، محافظ و شرکت انباردار) صادر می‌شود. در این موارد، بیشتر قبوض انبار غیرقابل انتقال<sup>۱</sup> به کار گرفته می‌شود. زیرا معمولاً برای صاحب کالا پیش‌بینی‌شدنی نیست که در آینده نیاز به خارج کردن چه میزان از کالاها را خواهد داشت. اگر چند قبض انبار قابل انتقال به صاحب وثیقه داده شود و میزان مندرج در آخرین قبض انبار با میزان کالایی که قصد خروج آن وجود دارد، همخوانی نداشته باشد، این امر موجب عدم سهولت در کار خواهد شد، چون شرکت انباردار موظف است در قبال خارج شدن کالا از انبار، قبض انبار قابل انتقال را پس از ظهورنویسی توسط وام‌دهنده تحویل بگیرد، در حالی که این مشکل درباره قبض انبار غیر قابل انتقال وجود ندارد چون طلبکار با صدور دستور تحویل به مقدار مطلوب بدهکار، مکلف به تحویل لاشه قبض انبار به شرکت انباردار نیست ( Financing Inventory through Field Warehousing, op.cit., p.824). همچنین، در موردی که قبض انبار قابل انتقال است، شرکت انباردار تمایل کمتری به واگذاری امور به محافظ انبار دارد و این امر می‌تواند از سرعت و سهولت کار بکاهد (H. Skilton, op.cit., p.411).

در عین حال، باید توجه کرد براساس ماده ۷ قانون تجارت متحدالشکل ایالات متحده<sup>۲</sup> در صورتی که صاحب وثیقه، قبض انبار غیر قابل انتقال دریافت کند نه فقط همه ایرادات و ادعاها در برابر دارنده قبض انبار قابل انتقال متوجه اوست، بلکه تا میزانی صاحب حق خواهد بود که انتقال دهنده امکان انتقال آن را به وی داشته است. بنابراین، اگر مالکیت صاحب کالا موضوع اختلاف باشد، این اختلافات و ادعاها در برابر دارنده قبض انبار غیر قابل انتقال نیز طرح‌شدنی است (ماده UCC ۷-۵۰۴)، در حالی که در قبض انبار قابل انتقال چنین نیست (ماده UCC ۷-۵۰۲) (The American Law Institute, 1978, p.500). در حالی که مقررات داخلی و دکترین حقوقی در ایران در این زمینه کاملاً ساکت است.

1. Non-negotiable Warehouse Receipt  
2. Uniform Commercial Code (UCC)

ممکن است برای سپارنده کالا امکان نباشد در قبال پرداخت بخشی از بدهی، قسمتی از کالا را آزاد کند، بلکه به علت عدم نقدینگی باید آن را بفروشد و از عواید فروش، بدهی خود را پرداخت کند. همچنین، گرفتن دستور تحویل کالا از شرکت انباردار برای هر مورد درخواست وام‌گیرنده ممکن است همواره آسان نباشد، به‌ویژه اگر این شرکت از نظر مکانی با انبار کالا در محل فاصله داشته باشد. در این حالت می‌توان دستور تحویل پایدار<sup>۱</sup> را به‌کار گرفت. دستور تحویل پایدار بدین معنی است که وام‌دهنده به محافظ انبار اجازه آزادکردن کالاها را تا میزان معینی می‌دهد و از این طریق نگرانی‌های یادشده را برطرف می‌کند (H. Skilton, op.cit., p.411).

در ایران درباره انبارهای عمومی، براساس ماده ۱۲ آیین‌نامه اجرایی تصویب‌نامه قانونی تأسیس انبارهای عمومی «دارنده قبض رسید و برگ وثیقه در صورتی که هر دو برگ را با هم در دست داشته باشد، می‌تواند کالای خود را در هر موقع که مایل باشد ترخیص یا آن را به هر تعداد واحد که مایل باشد تقسیم نماید و در این صورت انبار عمومی مکلف است قبض رسید و برگ وثیقه قبلی را باطل و به تقاضای متقاضی به تعداد واحدهای مورد تقاضا قبض رسید و برگ وثیقه جدید صادر نماید.» لذا، پس از واگذاری برگ وثیقه، امکان برداشت بخشی از کالای موضوع برگ وثیقه بدون رضایت دارنده آن وجود نخواهد داشت و مشخص نیست که توافق قبلی میان صاحب کالا و دارنده برگ وثیقه درباره لزوم آزادسازی آن بخش از کالای انبار که مورد نیاز بدهکار است تا چه میزان در برابر انبار استنادشده است و آیا می‌توان آن را در قالب یک توافق سه‌جانبه منعقد و در قبال جایگزین کردن کالا یا پرداخت بدهی به همان نسبت، در برابر انباردار بدان استناد کرد؟

### لزوم تصرف وام‌دهنده نسبت به کالا

همان‌طور که می‌دانیم، در حقوق مدنی ایران در بحث عقد رهن، تحقق رهن منوط به تسلیم و تحویل رهینه به مرتهن است، به عبارتی، عقد رهن از عقود عینی است. در قوانین و مقررات مربوط به انبار عمومی در کشور ایران، احکامی در خصوص لزوم و چگونگی تصرف صاحب حق

1. Standing delivery instruction

وثیقه نسبت به کالاهای موجود در انبار موجود نیست. فقط آنچه بر حق وثیقه دلالت می‌کند وجود برگ وثیقه در تصرف دارنده و ظهرنویسی صحیح آن به نفع او است. در حقوق عرفی ایالات متحده یکی از لوازم تحقق وثیقه، بیع و هبه نسبت به کالاها این است که کالا از تصرف صاحب آن خارج شود و به تصرف صاحب حق وثیقه، خریدار یا متبهب درآید. ضمن اینکه بر خلاف قانون مدنی ایران، این تصرف باید مداوم و مستمر باشد. براساس رویه قضایی آن‌ها، همین امر در بحث انبار کالا در محل و توثیق آن نیز لازم‌الرعايه بود. رویه قضایی در برابر پذیرش وثیقه‌هایی که در آن‌ها انتقال تصرف انجام نگرفته بود، بسیار از خود مقاومت نشان می‌داد و تا مدت‌ها استثنای بر آن قاعده را بارنامه‌ها می‌دانست که اگرچه کالا به تصرف خریدار در نیامده و در حال حمل در کشتی است، این بیع را به رسمیت می‌شناخت با این استدلال که انتقال تصرف در این مورد خاص غیرممکن است. اما پس از چند صد سال، درباره قبوض انبار نیز به تدریج طی طرح دعاوی متعدد، انتقال تصرف قبوض انبار به عنوان بدل از انتقال تصرف خود کالاها پذیرفته شد<sup>۱</sup> و بعضاً استدلال شد که شرکت انبار در محل در حقیقت به نمایندگی از وام‌دهنده کالاها را تصرف می‌کند. بنابراین، تحویل کالاها به وام‌دهنده<sup>۲</sup> (صاحب حق وثیقه) از نظر حقوقی از طریق دریافت قبض انبار صورت می‌گیرد (Kane, op.cit., p.22).

اما در حقوق ایران لزوم قبض رهنه توسط مرتهن به موجب برگ وثیقه، همچنین، دارندگان بعدی و ارانت چگونه توجیه می‌شود؟ به نظر می‌رسد از آنجا که مقررات قبض انبار و تأمین نقدینگی از طریق سپردن کالا به انبار کاملاً مستقل از قانون مدنی تهیه و تدوین شده است، به سختی می‌توان چنین نتیجه گرفت مقررات عقد رهن در قانون مدنی، درباره حق وثیقه ناشی از برگ وثیقه نیز به‌طور کامل و دقیق لازم‌الرعايه است. از نظر برخی حقوق‌دانان امریکایی نیز تحلیل و استدلال دادگاه درباره انبار در محل، در قالب عقد وثیقه<sup>۳</sup> صحیح نیست و بسط و گسترش این

۱. جهت مطالعه تفصیلی ر.ک. J. Vaughn, op.cit.

2. Constructive delivery

3. Pledge

روش در صورتی امکان‌پذیر است که به عنوان ابزار مستقل توثیق در نظر گرفته شود (Friedman, 1942, p.1013).

### بررسی جایگاه و لزوم بهره‌گیری از روش انبار کالا در محل

#### روش انبار کالا در سطح بین‌المللی

سازوکار انبار در محل استقرار کالا به نحوی که امکان صدور قبض انبار برای شرکت انباردار وجود داشته باشد، در قوانین و مقررات ایران پیش‌بینی نشده است. همان‌طور که طی ۵۰ سال پیش از تصویب قانون تجارت متحدالشکل (UCC) ایالات متحده آمریکا، انبار در محل در تأمین منابع مالی در امور کشاورزی، صنایع سبک و توزیع کالا به‌طور عمده بسیار مفید بوده است، امروزه وسیله تأمین مالی مناسبی در کشورهای در حال توسعه، کشورهای اروپای شرقی و مرکزی و سازمان منطقه‌ای<sup>۱</sup> که اعضای آن را جمهوری‌های استقلال‌یافته از شوروی سابق تشکیل می‌دهند، است (Budd, op.cit., p.121). در فرانسه، بلژیک و بسیاری کشورهای آمریکای لاتین، انبار در محل به طور گسترده به عنوان وسیله تأمین مالی آسان و ایمن در حال پذیرش است. همچنین، در کشورهای اروپا و آسیای مرکزی<sup>۲</sup> در صنعت غلات و دانه‌های روغنی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این روش در حال حاضر نیز در ایالات متحده در برخی صنایع به‌ویژه توسط فرآورش‌کنندگان و توزیع‌کنندگان به‌کار گرفته می‌شود (Höllinger, 2009, p.20). بانک‌های ایالات متحده تحت مقررات رزرو فدرال<sup>۳</sup>، به‌طور صریح، اختیار دارند در قبال کالاهایی که در خارج نگهداری قبولی بانکی خود را انجام دهند و قبوض انبار در محل را به عنوان اسناد مالکیت به‌کار گیرند (Budd, op.cit., p.121).

در گزارش بررسی سیستم قبض انبار در کشورهای افریقای شرقی و جنوبی تهیه شده

1. Commonwealth of Independent States (CIS)
2. Europe & Central Asia (ECA)
3. Federal Reserve regulations

توسط UNCTAD<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۹ نیز برای توسعه اعطای وام به منظور تجارت در کشورهای افریقایی، بر شیوه انبار در محل تأکید شده است (Coulter, 2009, p.48). طی این گزارش شرکت‌های بازرسی، قرارداد مدیریت وثیقه سه‌طرفه‌ای<sup>۲</sup> را میان خود، بانک و وام‌گیرنده منعقد و براساس آن به عنوان انباردار عمل می‌کنند. بدین ترتیب، امکان ایجاد وثیقه برای دستیابی به اعتبارات بانکی را برای سپارندگان کالاها فراهم می‌کنند. قبوض انبار معمولاً به‌طور غیر قابل انتقال و مستقیماً به نفع بانک تأمین‌کننده مالی صادر می‌شود. این شرکت‌ها بیشتر درباره انبار در محل خدمات عرضه می‌کنند. در این حالت کنترل انبار مشتری را که قصد دارد اعتبار بانکی به دست آورد، از طریق اجاره کردن آن در قبال مبلغ ناچیز به دست می‌گیرند و مسئولیت نظارت بر کالاهای مورد وثیقه را به عهده می‌گیرند. همچنین، شرکت‌های بازرسی بین‌المللی در کشورهای در حال توسعه و کشورهای اروپای شرقی در حال گذار نیز نقش مهمی را ایفا کرده‌اند. این شرکت‌ها به‌ویژه به دلیل اینکه شرکت‌های اروپایی مادر آن‌ها با پوشش مسئولیت حرفه‌ای، تسهیلات مضاعفی را برای وام‌دهندگان فراهم کرده‌اند، در فضای بازار آزاد اطمینان لازم را در بانک‌ها برای مداومت بر معاملات تأمین مالی ایجاد کرده‌اند (Coulter, 2009, p.19).

#### فدراسیون بین‌المللی انجمن‌های انبارداری عمومی

انبارداری عمومی به معنای انبارکردن و نگهداری کالای مشتریان در قبال اخذ اجاره‌بها و حق انبارداری است. امروزه این صنعت به جایگاهی رسیده است که از لحاظ ایجاد رابطه اساسی و فراهم کردن امکانات در انتقال کالا و محصولات از محل اولیه تولید به مراکز صنعتی و کارخانجات و سرانجام، به مصرف‌کنندگان، سهم بسزایی دارد. شبکه انبارداری و توزیع در جهان با سرعت زیاد رو به گسترش است. سیر تاریخی فدراسیون بین‌المللی انجمن‌های انبارداری عمومی مبین این واقعیت است که تعداد اعضای این فدراسیون رو به افزایش است با توجه به این گسترش سریع،

1. United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD)  
2. Collateral Management Agreement (CMA)

لزوم ایجاد هماهنگی در این صنعت در سطح جهانی احساس شد و فدراسیون بین‌المللی انجمن‌های انبارداری عمومی، زاده همین احتیاج است. در آوریل سال ۱۹۷۲ میلادی، اتحادیه ملی انبارداران و اتحادیه انبارهای عمومی بریتانیا با اعضای اتحادیه انبارهای عمومی اروپا در لندن گرد هم آمدند تا بتوانند با تبادل نظر درباره چگونگی رسیدگی به امور انبارداری در هر کشور، گامی به سوی ارتقای جایگاه این فعالیت اقتصادی بردارند و بعدها توانستند راه پیشرفت این صنعت را هموار کنند. در نخستین همایش فدراسیون که در سال ۱۹۷۳ در لندن برگزار شد، نمایندگانی از کشورهای ایران، فرانسه، یونان، سوییس، بلژیک، آمریکا و بریتانیا حضور داشتند و در حال حاضر، کشورهای کانادا، چین، تایوان، قبرس، فرانسه، هند، ایران، ایتالیا، ژاپن، لتونی، مکزیک، اسپانیا، آمریکا، انگلیس و ویتنام عضو انجمن یادشده هستند. نام این نهاد در سال ۱۹۹۹ با توجه به تغییر سیاست‌های کلان اقتصادی و همچنین ورود صنایع مرتبط با انبارداری، از فدراسیون بین‌المللی انجمن‌های انبارهای عمومی، به فدراسیون بین‌المللی انجمن‌های انبارداری و لجستیک<sup>۱</sup> تغییر کرد.

### انتفاع و بهره‌گیری از انبار کالا در محل

تحقیقات متعددی درباره لزوم بهره‌گیری از این روش در سطح بین‌المللی انجام گرفته است، از جمله در کشورهای در حال گذار، در حال توسعه و به‌ویژه درباره محصولات کشاورزی. یکی از این تحقیقات مربوط به مرکز سرمایه‌گذاری فائو<sup>۲</sup> است که در سال ۲۰۰۹ با عنوان «استفاده از تأمین مالی قبض انبار در کشاورزی در کشورهای در حال گذار» انجام گرفته است. این تحقیق که به‌طور کلی راجع به قبوض انبار است، انبار را به سه دسته انبار خصوصی، انبار در محل و انبار عمومی تقسیم کرده است. جهت پرهیز از اختلاط موضوع انبار خصوصی با انبار در محل، ارائه توضیحی درباره انبارهای خصوصی<sup>۳</sup> ضروری است. در شیوه انبار خصوصی مکان تولید و مکان انبار در یک جای مشترک واقع می‌شود و هر دو فعالیت تحت کنترل و نظارت یک شرکت واحد است.

1. International Federation of Warehousing and Logistics Association (IFWLA)

2. FAO Investment Centre

3. Private warehouse

بنابراین، انبار، جزئی از فعالیت شرکت اعم از تولید، عمده‌فروشی یا خرده‌فروشی است. به‌کارگیری کالاهای موجود در انبار خصوصی به عنوان وثیقه وام، بسیار پرمخاطره است و جز در مواردی که بانک گاه‌گاهی این انبار را بررسی می‌کند، هیچ اطمینانی به اینکه کالاها واقعاً موجودند، نیست. اما درباره مزایای این سه روش در مقایسه با یکدیگر و اینکه در مجموع کدام یک به‌طور شایسته‌تری پاسخگوی نیازهای ماست، عوامل متعددی دخالت دارد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به میزان دسترسی به انبارهای عمومی در زمینه کالاهای مدنظر، ساختار هزینه‌ها، کیفیت قوانین و مقررات موجود، و نوع و حجم معاملات اشاره کرد.

اگر در نزدیکی کارخانه یا محل تولید، انبار عمومی با ظرفیت کافی نباشد، چاره‌ای جز به‌کارگیری انبار در محل نیست. مثلاً در زمینه محصولات کشاورزی اگر انبارهای عمومی در مناطق روستایی منطبق بر نیازهای منطقه موجود نباشد، انبار در محل تهیه محصولات و در کنار زمین زراعی، وسیله‌ای مناسب برای تأمین نقدینگی مورد نیاز از طریق وثیقه‌گذاشتن محصولات است و در فعالیت‌های روزانه زراعت نیز اختلال کمتری ایجاد می‌شود (Höllinger, op.cit., p.8).

در یک برآورد هزینه که توسط مرکز سرمایه‌گذاری فائو انجام گرفته است، آنچه بر هزینه انبار عمومی، نسبت به هزینه انبار در محل بیشتر تأثیر می‌گذارد و آن را افزایش می‌دهد، هزینه حمل‌ونقل کالا به انبار عمومی و از آن است.<sup>۱</sup> هزینه‌هایی که وام‌گیرنده در انبار در محل متحمل می‌شود، شامل هزینه‌های ثابت و متغیر است، رقم ثابت مربوط به تأسیس انبار و نظارت است و هزینه‌های متغیر مبتنی بر ارزش کالاهای سپرده‌شده، مشابه اصل حاکم بر نرخ بیمه وقایع احتمالی است. عمل انباردار مانند بیمه‌گر پذیرش خطر است؛ او تضمین می‌کند اگر حق وثیقه وام‌دهنده به دلیل بی‌اعتباری امانت از بین رود، طلب وام‌دهنده را به او پرداخت خواهد کرد. کل هزینه برپایی یک انبار در محل به طور متوسط حدود ۱ تا ۲ درصد وامی است که براساس آن دریافت می‌شود. البته این درصد بستگی به مبلغ وام دارد. چون با وجود هزینه‌های ثابت، هرچه مبلغ وام بیشتر

۱. جهت مطالعه تفصیلی ر.ک. Höllinger, op.cit.

باشد، هزینه‌ها درصد کمتری از وام را به خود اختصاص می‌دهند. بنابراین، باید توجه کرد مبلغ وام با در نظر گرفتن بهره و هزینه‌های انبار به نحوی باشد که به‌کارگیری روش انبار در محل همچنان مقرون به صرفه و اقتصادی تلقی شود. بنابراین، این روش برای شرکت‌هایی که موجودی کالای آن‌ها بسیار کم است، یا به وام‌های با مبالغ بسیار کم نیاز دارند، مناسب نیست ( Financing (Inventory through Field Warehousing, op.cit., p.686).

جامع و کامل بودن قوانین و مقررات ناظر به انبار در محل، در استقبال از آن بسیار مؤثر است، اگرچه ممکن است در فضای قانونی پرمخاطره تأمین‌کننده مالی با ارائه تضمین‌های بین‌المللی معتبر از سوی شرکت مدیریت وثیقه<sup>۱</sup>، انبار در محل را ترجیح دهد (Höllinger, op.cit., p.21). همچنین، نوع معامله و تجارت کالا در انتخاب انبار عمومی یا انبار در محل تعیین‌کننده است. هرچه اهمیت دسترسی به کالا برای صاحب آن بیشتر باشد، تمایل به انبار کالا در محل بیشتر است؛ همان‌طور که توزیع‌کننده کالاهای با استفاده خاص و متغیر بیشتر از توزیع‌کننده کالاهای نوعی و عمومی، نیازمند انبار در محل است؛ یا تاجر کالا برای فروش داخلی بیشتر از تاجر کالا برای صادرات به انبار در محل احتیاج دارد. مثلاً اگر کالاها قطعات یک ماشین‌اند که باید سرهم‌بندی شوند تا محصول نهایی تولید شود، انبار در محل مطلوبیت دارد اما اگر صاحب کالا توزیع‌کننده کود است، نیازی به دسترسی فوری و بنابراین، تأسیس انبار در محل ندارد (Höllinger, op.cit., p.21).

## نتیجه

یکی از راه‌های رشد و توسعه اقتصادی در جهت تأمین منافع عمومی، حذف موانع موجود در چرخه تجارت و معاملات، از جمله اعطای اعتبارات با وثیقه از طریق ایجاد و ترویج روش‌های عملی مناسب است. همان‌طور که توضیح داده شد، انبار در محل استقرار کالا یکی از این

1. Collateral Management Company



شیوه‌هاست که در کشورهای دیگر این قابلیت را از خود نشان داده است که فرصت‌هایی نو را در پیش روی بازرگانان قرار دهد. متأسفانه در کشور ایران، از این شیوه تأمین نقدینگی غفلت و کم‌توجهی شده است و بدیهی است نهادینه‌شدن آن نیازمند توجه و اهتمام دولت و قانونگذار است. قوانین و مقررات باید به نحوی درباره این روش تأمین نقدینگی تنظیم و تدوین شود که با کاهش مخاطرات احتمالی این شیوه تا حد امکان، و ایجاد اطمینان و اعتماد به سیستم بانکی و مؤسسات دیگری که به‌طور مشروع عملیات تجارتي انجام می‌دهند، انگیزه لازم به منظور عرضه خدمات در تأمین نقدینگی را فراهم کند. زیرا در غیر این صورت، انبار در محل استقرار کالا به یک روش تأمین اعتبار پرهزینه و گران‌قیمت تبدیل می‌شود، در نتیجه، مهجور خواهد شد. به‌طور خاص، باید توجه کرد صدور برگ وثیقه به عنوان سندی تجاری درباره انبار کالا در محل، نیازمند نظارت و کنترل نظام‌مند دولت جهت حفظ حقوق تأمین‌کنندگان مالی و امنیت تجاری است. در کشورهای مثل ایالات متحده آمریکا که مدت‌هاست این روش را به‌کار می‌گیرند، علاوه بر قوانین و مقررات، رویه قضایی و بانکی نیز توسعه پیدا کرده است و کشورهای در حال توسعه از جمله کشور ایران می‌توانند از این منابع، با بهره‌گیری از دانش حقوقدانان باتجربه این مرز و بوم و ضمن بومی‌سازی آن، در تدوین قوانین و مقررات در زمینه انبار در محل استقرار کالا بهره‌برداری کنند.

## منابع و مأخذ

۱. اسکینی، ربیعا (۱۳۸۲)، حقوق تجارت برات سفته چک، چاپ هفتم، تهران، انتشارات سمت.
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۵۷)، دایره‌المعارف حقوق مدنی و تجارت، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات مشعل آزادی.
۳. ستوده تهرانی، حسن (۱۳۸۸)، حقوق تجارت، جلد سوم، چاپ سیزدهم، تهران، سمت.
۴. صقری، محمد (۱۳۸۰)، حقوق بازرگانی (اسناد)، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار.
5. Budd, Nicholas (1995), Field Warehousing, Security for Developing Countries and the New Market Economies *International Business Lawyer*, March 1995, 23, 120-122.
6. Coulter, Jonathan (2009), *Review of Warehouse Receipt System and Inventory Credit Initiatives in Eastern & Southern Africa*, Final Report commissioned by UNCTAD under the All ACP Agricultural Commodities Programme (AAACP).
7. F. Birnbaum, Harold (1948), Form and Substance in Field Warehousing *Law & Contemporary Problems*, 13, 579-592.
8. F. Broude, Richard (1968), The Emerging Pattern of Field Warehouse Litigation, Liability for Unexplained Losses and Nonexistent Goods *Nebraska Law Review*, 47 (1), 3-41.
9. Financing Inventory through Field Warehousing, *The Yale Law*, 1960, 69(4), 663-708.
10. Friedman, Daniel, M. (1942), Field Warehousing *Columbia Law Review*, 42(6), 991-1013.
11. H. Skilton, Robert (1961), "Field Warehousing as a Security Device, The Warehouseman Goes to the Storer-Part II", *Wisconsin Law Review*, Vol.1961, 403-438.
12. H. Skilton, Robert (1961), Field Warehousing as a Security Device, The Warehouseman Goes to the Storer-Part I *Wisconsin Law Review*, Vol.1961, p.402.
13. Höllinger, Frank; Rutten, Lamon;- Kiriakov, Krassimir (2009), *The Use of Warehouse Receipt Finance in Agriculture in Transition Countries*, Working Paper, Report No.3, Rome, FAO Investment Centre.
14. J. Vaughn, Michael (1968), Warehousing Security Transactions, Progeny of Twyne s Case *Baylor Law Review*, 20(1), 1-24.
15. J.White, James; S.Summers, Robert (1980), *Hand Book of the Law under the Uniform Commercial Code*, Second edition, USA, West Publishing Co.
16. Kane, Anthony (1937), The Theory of Field Warehousing *Washington Law Review*, 12, 20-28.
17. The American Law Institute (1978), *Uniform Commercial Code, 1978 Official Text with Comments*, Ninth edition, USA, West Publishing Co.